

تا اسلام، دین جهانی

تا اسلام، دین جهانی

آیت ا □ محمد آصف محسنی ([1])

بسم □ الرحمن الرحیم

(الحمد □ رب العالمین والصلاة والسلام علی من أرسله للناس كافة وعلی آله هداة الأمة وأصحابه الدعاء
الی الرحمة)

در این مقاله چند مطلب بطور خلاصه مورد بحث قرار می گیرد:

اول: آیا اسلام خود را دین همه انسانها میداند و یا دین قوم خاصی، و به تعبیر روشن دین اسلام خود را دین همه زمانها و مکانها و همه انسانها میداند، یا دین جماعت خاصی و زمان معینی و منطقه مخصوصی؟ و یا اینکه در این مورد خاموشی برگزیده است.

دوم: برداشت عقلي و فلسفي و ديني (براساس قرآن و سنت) از مجموع دين اسلام به جهانني بودن آن مي انجامد يا به محلي بودن آن.

سوم: موانع و مشكلات جهانني شدن دين اسلام.

چهارم: راههاي جهانني شدن اسلام:

1 - اسلام خود را دين جهانني مي داند

1 - (و ارسلناك للناس رسولا) (النساء / 79)

ما تو را براي مردم، رسول فرستاده ايم.

2 - (وما ارسلناك الا كافة للناس بشيرا ونذيرا ...) (سبا / 28)

نفرستاده ايم ترا مگر براي همه مردم بشارت دهنده و بيم دهنده.

3 - (ولكن رسول الله وخاتم النبيين) (احزاب / 40)

ختم نبوتها و انبياء به آمدن آنحضرت متضمن بقاء نبوت او تا روز قيامت است.

در این جا ممکن است این سؤال در ذهن خواننده پیدا شود که نفي نبوت نبي بعد از پیامبر بزرگوار اسلام (صلي الله عليه وآله) لزوماً بمعنای بقای نبوت آنحضرت تا قیامت نمی باشد، زیرا احتمال نفي تکلیف شرعی پس از مدتی نیز وجود دارد که انسانها اصلاً مکلف نباشند.

جواب این سؤال اینست که احتمال رفع تکلیف شرعی صددرصد منتفی است و مخالف هدف خلقت انسان می باشد و نمی شود که انسان از تکامل روحانی خود محروم بماند. قرآن هم بتأکید حکم عقلی فرموده است.

(ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون). جن و انس را جز برای اینکه مرا بپرستند نیافریده ایم.

و لذا در حدیث کافی([2]) آمده است که حلال محمد تا روز قیامت حلال است و حرام او تا روز قیامت حرام است.

4 – (وأوحى إلي هذا القرآن لا نذرکم ومن بلغ) (انعام / 19)

5 – (ومن يبتغ غير الاسلام دينا فلن يقبل منه وهو في الآخرة من الخاسرين) (آل عمران / 85)

6 – (إن الدين عند الله الإسلام) (آل عمران / 19)

7 – (قل يا أيها الناس اني رسول الله اليكم جميعاً) (اعراف / 158)

8 – از سوره جن بدست مي آيد كه آنحضرت (صلي الله عليه وآله) بر طائفه جن نيز مبعوث بوده اند.

9 – در حديث متواتر منزله آمده است: (انت مني بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدي) اي علي تو به من همانند هارون به موسي هستي ولي پس از من نبي اي وجود ندارد. و اين حديث را شيعه و سني نقل کرده و علامه سيوطي آنرا متواتر ميداند. ([3])

نفي نبوت و نبي پس از پيامبر ما در احاديث زياد به چشم مي خورد.

10 – (وما ارسلناك إلا رحمة للعالمين) (انباء 127)

اگر كلمه عالمين را به عالم ها معني كنيم آيه چنين مي شود: تو را نفرستاده ايم مگر رحمتي براي جهانها.

اطلاق آیه، جهان انس و جهان جن و جهان حیوان و جهان فرشتگان و جهان موجودات کهکشانی دیگر را نیز شامل می‌شود.

ولی اگر رحمت را رحمت تکوینی بدانیم نه تشریحی، آیه شریفه از موضوع نبوت بیرون می‌رود.

بیادام است حکیم سبزواری در حواشی اسفار یا شرح منظومه خودش در تفسیر آیه می‌گوید که موجودات به دو قوه نیازمندند یکی شوق که تحصیل کمال مفقود است و دیگری عشق که حفظ کمال موجود است و این دو قوه توسط وجود مقدس سرور کائنات به موجودات می‌رسد.

ولی آیه مبارکه: (ان هو الا ذکر للعالمین) قرآن برای جهانیان یا جهانیان پند است.

و آیه شریفه: (تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیكون للعالمین نذیرا) (فرقان / 1)

قرآن یا رسول الله ﷺ بیم دهنده عالم‌ها یا عالمیان است. می‌شود قرینه‌ای تشریحی بودن رحمت باشد نه تکوینی بودن آن.

بهرحال مستفاد از آیات قرآنی و احادیث اینست که:

1 - دین اسلام برای همه انسانها است.

2 - این دین تا روز قیامت قانون الهی و شریعت آسمانی و نافذ بر همه کره زمین است.

3 - اسلام زمان و مکان و قوم خاصی را نمی شناسد.

ممکن است توهم شود که آیه مبارکه: (هو الذی بعث فی الامیین رسولاً منهم...) (سوره جمعه)

او خدایی می باشد که در بین بیسوادان فرستاده ای از خود آنان فرستاد...

دلالتهای بر مبعوثیت او در بین بیسوادان مکه می نماید، ولی با اینکه در آیه اسم مکه برده نشده، مدلول آن اینست که يك قسمت از مبعوث علیهم را بیان می دارد که پیامبر از بین آنان برانگیخته شده است و هیچ گونه نظری به همه اصنافی که پیامبر بر آنان مبعوث شده است ندارد بلکه آیه بعدی می گوید: (و آخرین منهم لما یلحقوا بهم...) که توهم اختصاص را تضعیف می کند. چنانچه آیه مبارکه: (و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه.) (ابراهیم / 4)

ما هیچ رسولي را مگر به زبان قومش نفرستاده ایم، دلالتی بر نفي نبوت آنحضرت از غیر عربها ندارد حتی اگر کلمه قوم بمعنای امت استعمال شده باشد، زیرا آیه نظری به حضرت پیامبر ندارد و از وضع رسالت انبیای گذشته حکایت می کند و ثابت نیست که جز پیامبر اسلام هیچ پیامبری بر همه بشر روی زمین مبعوث شده باشد و ادعای بعضی از مفسرین درباره عموم رسالت حضرت نوح (علیه السلام) برای همه انسانهای روی زمین زمان خودش چندان روشن نیست.

و از نظر اعتبار عقلایی نیز نبوتهای گذشته نباید عمومیت داشته باشد، زیرا ارتباطات آن عصرها بسیار مشکل و محدود بوده است و دعوت انبیاء (علیه السلام) روی وسائل عادی صورت گرفته است.

بهرحال مخالف آنچه که در اثبات عموم طولی و عرضی رسالت آنحضرت (صلي الله عليه وآله) گذشت در قرآن و سنت مشاهده نمی شود.

2 - جهانی بودن اسلام در تحلیل فکری

اولاً - انسان بیهوده آفریده نشده است و آفرینش او لغو و بی هدف نیست، اساساً همه موجودات برای هدفی آفریده شده اند و این هدف بخالق برنمی گردد که او کامل و غنی با لذات و میراً از نیاز و نقص است، و این هدف بخود مخلوقات برمیگردد. قرآن مجید هم در جهان بینی والای خود به این حکم عقلی اشاره دارد که این اشاره به نوبت خود یکی از معجزات علمی قرآن است. در سوره طه (آیه 5) از زبان حضرت موسی (علیه السلام) چنین نقل شده است. (ربنا الذی اعطی کل شیء خلقه ثم هدی). پروردگار ما کسی است که به همه اشیاء و ماهیات لباس هستی آنها را پوشانیده و سپس آنها را (بسوی کمال لایقشان) راهنمایی فرموده است. و در سوره اعلی می فرماید: (والذی قدر فهدی) بنابراین اینکه معنای آیه این باشد که خداوند وجود اشیاء را اندازه گیری نموده و انگهی آنها را به هدف نهایی شان رهنمون شده

و طبعاً موجودات عاقل برعلاوه هدایت تکوینی هدایت تشریحی را هم مستحق می باشند و لذا جن و انس باید تکلیف شرعی و هدایت اختیاری هم جهت تکامل روحانی خود داشته باشند و با فرض اینکه ادیان موجوده بجز اسلام دست خورده و مخالف عقل اند، دین اسلام تنها مصداق منحصر بفرد هدایت تشریحی الهی باقی می ماند. و اسلام باید دین جهانی فعلی انسانها باشد.

در تحلیل عقلی ممکن است به این نتیجه برسیم که حیوانات برخلاف پندار عوام نیز از هوش و ادراک نسبی برخوردارند و علوم امروز این موضوع را تا حدود زیادی بعلاوه بعضی از آیات قرآن مجید که برای حیوانات نطق و شعور را اثبات نمود، مبرهن و مدلل ساخته است. بلکه می شود از قرآن مجید نیز مکلف بودن حیوانات را استفاده کرد. مثلاً در جایی می فرماید: (وما من دابة فی الارض ولا طائر یطیر بجناحه إلا امم أمثالکم...) (انعام / 38)

هیچ جنبنده ای در زمین و هیچ پرنده ای که به دو بال خود پرواز می کند جز امتهایی امثال شما نیستند، بنابراین میشود فهمید که همه انواع رندگان و پرندگان امتهایی هستند.

از آیات دیگر مانند (لکل امة رسول) و (ان من امة الا خلا فیها نذیر) (یونس / 47)

استفاده می شود که هر امت دارای رسولی می باشد و رسول پیام آور و تکلیف آور است.

و این استدلال جوابی ندارد مگر اینکه ادعا شود لفظ امت در آیات دومی منصرف به انسانها است.

و از نظر عقلی نیز می شود سخن صاحب اسفار را پذیرفت که بنا بر اصالت وجود همه موجودات از علم و قدرت نسبی برخوردارند، زیرا روی این اصل، وجود و علم و قدرت هرچند در مفاهیم خود متعدد و متباینند ولی در حقیقت خود یکی هستند، هر جا وجود محقق باشد علم و قدرت نیز محقق است.

بلی شکی نیست که هدایت تشریحی و اختیاری انسان با هدایت سایر انواع موجودات فرق زیادی دارد و حتی تکالیف دینی انسانها نیز در بستر زمان و اختلاف افکار و اوضاع اجتماعی و محیطی مختلف بوده که شرایع آسمانی را متعدد و متفاوت نموده است.

بهرحال از جزئیات این بحث که بگذریم می فهمیم که دین اسلام دین جهانی و دین همه انسانها می باشد که باید از همین راه به خداوند تقرب جست و تنها بوسیله تعالیم او به تکامل نفس و تکمیل عدالت اجتماعی پرداخت.

3 - جهان بودن اسلام از تتبع شریعت آن

با تفکر و تعمق در دین اسلام به این نتیجه می رسیم که اسلام استعداد و استحقاق جهانی شدن را دارد، ولی در دینهای منسوخ دیگر چنین شایستگی را ندارد، لذا باید دین اسلام دین جهانی باشد، و توضیح این

استدلال بـشرح زیر است:

1 - دین اسلام مشتمل بر اجزای زیر است:

الف) اصول اعتقادی.

ب) عبادات از قبیل نماز، روزه، زکات، حج و امثال آن.

ج) معاملات بالمعنی الاخص، همانند احکام خرید و فروش، اجاره، جعاله، مضاربه، شراکت، مزارعه، مساقات.

د) سایر روابط مالی و اقتصادی از قبیل احیاء موات، تولید، توزیع، مصرف، اقسام ضمانات، عاریه، ودیعه، نفقه واجب النفقه ها، صلح، ملکیت فردی، ملکیت خصوصی، ملکیت عمومی و ملکیت فقراء و ملکیت دولت.

هـ) هیات، صدقات، نذورات، اوقاف، قرض، کفارات.

ز) وجوب قیام به صناعاتی که ضروریات زندگی مردم است که حفظ نظام عمومی مردم بر آنها متوقف است.

ح) میراث، وصایا، نکاح، طلاق و متعلقات آنها و روابط زن و شوهر و پدر و مادر و اولاد و فامیل، و صلہ رحم.

ط) احکام خوردنیها، نوشیدنیها، تعهدات اختیاری بوسیله شرط و نذر و یمین و عهد و غیره، لقطه دین و قرض، رهن، حواله، کفالت، اقرار، شکار.

ی) حدود، دیات، تعزیرات، قصاص، حجر (منع از تصرفات مالی).

ک) حکومت، قضاء، شهادت، امنیت و دفاع تا مرحله جهاد مسلحانه.

ل) تعلیم، تعلم، تبلیغ، امر بمعروف، نهی از منکر، ارشاد و همکاری بر خوبیها نه بر بدیها.

م) اخلاقیات و مکارم اخلاقی که شرح آن مفصل است.

ن) روابط اجتماعي و عدالت اجتماعي در فاميل، محله و همسايگان و با عموم مردم، و بين ملت و حكومت و بين فقراء و أغنيا و بين علماء و عوام الناس و بين مسلمانها و اهل كتاب و روابط بين المللي و حقوق زنان و اطفال و پسران و حقوق عمومي حتي حقوق حيوانات.

ص) نظافت و حفظ جان از مهلكات و ضررهاي مهم و عدم اسراف در مواد طبيعي.

ع) تحريم غيبت، دروغ، افتراء، تجاوز به جان و مال و آبرو و ناموس و فواحش و منكرات و قمار و سرقت و خيانت و غصب و تذيير و گمان بد و اتهام و غش و دهها عوامل ديگر منافيات سلامت اجتماع و جامعه.

ف) تنفيذ اصالة البرائة درباره همه انسانها و متهمين تا اثبات جرم و حفظ كرامت انسانها و تحريم تكبر و بزرگ بيني و تشويق به تواضع و احترام به مردم و حقوق آنها. و وجوب حفظ نفوس محترمه از هلاكت. و امثال اين امور.

توضيح و نتيجه گيري

من از تفصيل بحث كه احتمالاً محتاج به كتاب جداگانه اي گردد، معذرت مي طلبم بطور خلاصه مي گويم كه اجزاي دين اسلام براي عقل و فكر انسانها و براي فعاليتهاي علمي و اقتصادي و سياسي و فرهنگي آنان هيچ پيچيدگي و مشكله اي ايجاد نمي كند، بلكه اكثر شرايع اسلامي هم اكنون در دنياي امروزي مورد قبول و عمل و حتي از لوازم زندگاني در قرن 21 ميلادي مي باشد.

اگر بعضی از قوانین فقهی مانند دیه عاقله و امثال آن مورد پسند جمعی از مردم امروز نباشد حداقل دست و پا گیر و مخل به نظم زندگانی نیست. عبادت بدنی اسلامی بسیار محدود است که به هیچ وجه مانع فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی انسانها نیست. یک خانم آلمانی که در حومه کسل (یکی از شهرهای آلمان) توسط نگارنده مسلمان شده بود گفت همه دستورات اسلام بشمول حجاب و روزه و نماز را می‌پذیرم ولی نماز ظهر و عصر برایم مشکل است. که من در یک کارخانه کار می‌کنم فقط نیم ساعت وقت برای صرف نهار دارم، وقتی برای او توضیح دادم که ده دقیقه برای ادای مقدار واجب‌ترین کفایت می‌کند و در 20 دقیقه هم می‌توانی غذا را بخوری گفت درست است مشکله ام حل شد.

عبادات مالی اسلامی از قبیل زکات و خمس و غیره نیز بسیار ساده است و با مالیات کمرشکن غربیها اصلاً قابل مقایسه نیست.

بنابراین دین اسلام فی حد نفسه استعداد استحقاق جهانی بودن را دارد.

مثلاً مانند دین یهود مخصوص یک قوم نبوده و برای یک قوم نازل نشده و قومی را بر سایر انسانها تفصیل نداده است ولی تورات برای بنی اسرائیل است و اعتقاد یهودیها اینست که آنان از دیگران برتر و بهترند و دین موسی مخصوص به همان قوم است.

اسلام برای همه مردم و انسانها آمده است و مخاطب او همه مردم (الناس) است، و ملاک برتری انسانها را در قومیت یا منطقه خاص یا نژاد خاص قرار نداده بلکه برتری افراد را در پناه علم (هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون آیا آنانیکه میدانند با آنانیکه نمی‌دانند برابرنند؟) و طهارت نفس و

انضباط اخلاقي (ان اكرمك عندا] اتقاكم گرامي ترين شما در نزد خدا با تقوي ترين شما است) فرار داده است. بنا بر اين دين يهود نه ادعای جهاني شدن را دارد و نه استعداد آنها را، علاوه که اثبات سلامت توراة از انحراف غيرممکن است و اين امر اساس اين دين را ويران مي سازد.

نصرانيت در اولين اصل خود از نظر عقلي به بن بست مي رسد و براي عقلاي دنيا نامفهوم است. تثليث شرك آميز بمنزله فرمول (1 = 3) است که بچه هاي دبستان هم مي دانند اشتباه است. علاوه که بزرگترين مدرک و منبع اين دين کتاب انجيل اوست.

أولاً: بر حضرت عيسي يك انجيل نازل شده بود، و اناجيل فعلي چهار تا است که سه تاي آن مسلماً وحی نیست که بايد حذف شوند ولي مشكله لا ينحل تمیيز دادن انجيل اصیل از سه انجيل فلاحي است.

و ثانياً: اين اناجيل چهارگانه بين خود اختلاف دارند که موجب بي اعتباري و سقوط آنها از درجه اعتبار است، خصوصاً که قرائن کذب و مطالب باطل در آنها زياد است.

و ثالثاً: همه اين اناجيل بعد از حضرت عيسي تأليف شده و کتب مؤلفه اهل علم است، خواه صحيح باشد خواه غلط، ربطی به کلام خدا و وحی آسماني ندارد، البته در اين کتابها از حالات عيسي نقل قول شده ولي حتي در حد حکايت و نقل قول نیز بخاطر عدم ذکر اسناد معتبر، نمی تواند مورد اعتماد باشد. علاوه بر آن که اين دين شريعت جامعي براي نيازهاي سياسي و اجتماعي و فرهنگي و اقتصادي انسانهاي روي زمين، در اعصار گذشته و عصر فعلي ندارد و لذا استحقاق جهاني شدن را از دست ميدهد.

فرانسس وندرل نماینده اتحادیه اروپا روزی در نیمه اول یا اوائل نیمه دوم امسال (1381 ش) در دفتر من در شهر کابل به دیدنم آمد و راجع به اوضاع سیاسی افغانستان از من سؤالاتی می کرد.

در ضمن گفت پس از لویه جرگه (مجلس بزرگی که اعطای آن رئیس دولت فعلی را برگزیدند) شما در اروپا مشهور شدید (من در آن مجلس بوسیله صحبت چند دقیقه درباره اسلام، کلمه اسلام را در نام دولت بوسیله رأی گیری از حاضرین که با توافق آرا منجر شد داخل کردم) گفتم لابد بعنوان مرتجع مشهور شده ام که از دین حمایت کردم؟! او گفت در اروپا مردم مسیحی اند ولی ما نام دین را در سیاست داخل نمی کنیم و سیاست را جداگانه از دین نگه میداریم.

گفتم من کاملاً موافق شما هستم، شما انگیزه ای برای اینکار ندارید آخر مسیحیت در اصل اول خود (تثلیث) به بن بست رسیده و ریاضیات آنرا باطل میدانند، ثانیاً مسیحیت شرایع ندارد تا به درد قانون بخورد و ثالثاً کلیساها در قرن وسطی جلو علم و اکتشاف را گرفتند و دانشمندان را به مرگ تهدید و حتی می کشتند، نزدیک بود گالیله را بخاطر اینکه می گفت زمین حرکت دارد بکشند.

ولی ما انگیزه نداریم از اسلام صرف نظر نماییم، بطور نمونه در زمان حیات پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نه ماشینی بود و نه دوچرخه ای (Bicycle). در بازار مدینه روزانه چند رأس شتر و گاو و اسب و الاغ رفت و آمد داشتند، ولی ما از اطلاعات و عمومات ادله لفظیه و از عناوین ثانویه خود تمام مواد ترفیکی امروزی را جواب می دهیم، او از این جواب مجذوب شد و بجای سؤالاتی سیاسی درباره حقوق زنان و اقلیتهای دینی و غیره سؤالات دینی نمود، و با خوشی مرخص شد!

شما تثلیث نصرانیها را با توحید و اصول دینی اسلام مقایسه کنید، آنوقت می فهمید چه قدر ساده و مطابق عقل و واضح است، مثلاً:

– آفریدگار جهان یکی است.

– مدبر و رازق و زنده کننده و میراننده و معبود، همان آفریدگار است و بس.

– انبیاء و رسل همه انسان اند و با سایر انسانها در انسانیت تفاوتی ندارند و همه، مخلوق خداوند هستند.

– روز قیامت انسانها دوباره زنده و حساب پس می دهند، مومنین خوب به بهشت و کفار معاند و مقصر به دوزخ می روند.

– کسانی که حجت شرعی بر آنها در دنیا تمام نشده باشد عقاب نمی شوند.

– خداوند جسم و جسمانی نیست و از تمام لوازم و عوارض ماده و مادیات مبرا است.

– خداوند در موجودی حلول نمی کند و اجزاء ندارد و شریکی ندارد و به کسی نیازمند نیست و همه مخلوقات به اراده او قائم اند.

این مطالب را همه می دانند و عقل در فهم آنها هیچ مشکلی ندارد، و آنچه که درباره خدا ذکر شد، حتی اگر دین اسلام نمی بود باز هم عقل آنها را درک نموده و می پذیرفت. ولی خدای انجیل برای عقل قابل تصور و تصدیق نیست.

دو مطلب مهم

1 – شکی نیست که زندگی انسان توقف ناپذیر است و ما در جهان متحول و متطور زندگی داریم، پیشرفت علوم، موضوعات و مسایل تازه ای را در بسیاری از شؤون زندگی ما وارد نموده که پیش از پانصد سال قبل – تا چه رسد به هزار و پانصد سال قبل – وجود نداشته است. بنابراین چگونه ممکن است دین اسلام به همه مسایل و قضایای روز پاسخ بدهد.

لکن ما در قرآن و احادیث دینی خود عمومات و اطلاقاتی داریم که می توانیم از آنها حکم مسایل مستحدثه را استنباط کنیم، که در مذاکراتم با نماینده اروپا به آن اشاره کردم. ([4])

مثلاً اطلاق آیه مبارکه (اوفوا بالعقود) مخصوص به عقود و معاملاتی که در کتب فقهی قدیمی ما ذکر شده

نیست، مخصوص به عقود رایج در زمان حضرت پیامبر (صلي الله عليه وآله) و جانشینان (عليه السلام) او نیست مخصوص به عقود و معاملات عصر حاضر نیست، اوفوا بالعقود شامل تمام عقود و معاملات و قراردادهایی است که با صدها نوع مختلف خود (که مخالف مقررات اسلامی نباشد) تا روز قیامت بین انسانها در امور اقتصادی و اجتماعی و سیاسی رواج پیدا می کند.

اصالة البرأة جواز تکلیفی بسیاری از امور را در مقام عمل مشخص می کند.

پس از عمومات و اطلاقات، حکم حاکم شرعی است که مطابق مصالح امت اسلامی در بستر زمان تکلیف مسایل و حوادث را روشن می سازد.

2 – هیچ فقه و قانون حقوقی بدون انعطاف پذیری قابل عمل نیست، انعطاف پذیری احکام فرعی اسلامی که از يك طرف جنبه ثبات و دوام تا روز قیامت را دارد، در خود شریعت نهفته است که می شود به عناصر زیر اشاره نمود:

1 – قاعده تقدیم اهم بر مهم و دفع افسد بفاسد، در مقام تراحم.

2 – قاعده لا ضرر و لا ضرار.

3 - قاعده لا حرج.

4 - قاعده نفي عسر.

این قواعد بسیاری از بن بست ها را از راه تقنین و تشریح و استنباط فقهی برمیدارد که بر اهل خبره واضح است.

5 - قواعد خاص دیگری که مثل قواعد فوق در همه جا عمومیت ندارد و به ابواب خاصی اختصاص دارد مثل قاعده لاتعاد، نفي السبيل برأمین، و عدم ضمان محسن و هكذا.

خلاصه این بحث: ادیان مشهور آسمانی که اصل دین بودن آسمانی آنها مسلم است سه دین است: دین یهود، دین نصاری، دین مسلمانها.

اولی و دومی استعداد جهانی شدن را ندارند و اسلام چنین استعدادی را دارد، و چون خداجویی و خداپرستی در فطرت انسان نهفته است و نیز انسان از جهات گوناگونی بدان نیازمند است، باید دین اسلام جهانی گردد. و انسانهای زمان ما به بسیاری از تعالیم اسلامی نیازمندند که باید از آنها استفاده ببرند.

آنچه که تردیدناپذیر است، چند بُعدی بودن وجود انسان است، انسان برخلاف پندار جمعی تک بُعدی نیست، مکاتب مارکسیسم، فریدیسم و پاره ای از روشهای مرتاض های هندوئیسم و بعضی از مکاتب تصرف قدیم و جدید همه از انسانیت انسان به دور است، و لذا کمونیسم در روسیه و سرزمینهای شوروی سابق شکست خورد و بقیه آن در حال تعدیل و اصلاح خود است و سائر مکاتب که همانند مارکسیسم از قوه نظامی مدرنی جهت تحمیل آنها بر مردم برخوردار نشده اند نفوذی در جوامع بشری پیدا نکرده اند، اگر بخواهیم قانونی برای انسانها تدوین کنیم که مورد پسند آنان قرار گرفته و قابل دوام باشد باید همه ابعاد وجودی او را مد نظر قرار دهیم:

1 - بُعد روحانی و خداجویی و خداپرستی او را که نیازمندی او را به راز و نیاز و مناجات با آفریدگارش تامین نماید، و همین دین خدا است که جلو بسیاری از مفاسد را در بین متدینین می گیرد.

2 - بُعد معنوی او همانند مکارم اخلاقی و تمایلات عالی انسانی او که بسیار مهم است.

3 - بُعد شهوانی او که می شود آنرا به منفعت جویی تفسیر کرد، آدمی، خانه، لباس، غذا، طرف، فرش، اشیای دیگر مورد نیاز، و زن و شوهر می خواهد.

4 - بُعد غضبی او که دفع ناملائمات و ضررها است.

5 - بُعد عقلانی او که اسلام در هیچ مورد از اصول و فروع خود خود مخالف عقل چیزی ندارد. که عقل را متحیر و سرگردان نماید، اشتباه نشود در فروع عملیه شرعی موارد زیادی وجود دارد که عقل فلسفه آنها را نمی داند، مثلاً نماز فرض صبح چرا دو رکعت است؟ عقل چیزی از آن نمیداند مراد ما اینست که در اسلام چیزی وجود ندارد که متناقض با ادراکات عقلی باشد، و عقل آنرا باطل نماید.

ولی معجزه اینجا است که چگونه بین این ابعاد مختلف و متضاد وجودی او تعادلی برقرار نمائیم و چگونه آنها را تعدیل کنیم که هر کدام آنها نه نابود یا شدیداً ضعیف گردد و نه به حدی قوی شود که به سایر نیروها مجالی برای فعالیت شان ندهد و بر همه سلطه جوئی کند.

و برای حفظ انسانیت انسان این امر بسیار مهم و قابل دقت است.

دین اسلام چنین کاری را انجام داده است، در تشریح خود به همه ابعاد وجودی انسان توجه فرموده و به هر کدام حق طبیعی او را اعطا فرموده است.

قوه روحانی را اشباع کرده ولی نه به حدی که به رهبانیت و ترک دنیا و دوری از زن و فرزندان و نادیده گرفتن مسؤلیتهای اجتماعی بیانجامد که:

– ليس منا من ترك دنياه لآخرته ولا آخرته لدنياه. ([6])

– إعمل لدنياك كأنك تعيش أبدا وإعمل لآخرتك كأنك تموت غدا. ([7])

– فانكحوا ما طاب لكم من النساء مثنى وثلاث ورباع.

– الدفاع عن النفس و العرض و المال مأمور به. (لاحظ باب الحدود من الوسائل، ج / 18)

– كما أن القرآن و السنة تؤكد و تصر على التزكية و تحصيل مكارم الاخلاق.

– قل من حرم زينة الله التي اخرج لعباده و الطيبات من الرزق؟ قل هي للذين آمنوا في الحياة الدنيا... (7 / 32)

– افلا تعقلون و يجعل الراجس على الذين لا يعقلون.

– مراعات شديد عدالت اجتماعي و حقوق انساني در زندگاني اجتماعي. (والسمااء رفعها ووضع الميزان الا
تطفوا في الميزان واقيموا الوزن بالقسط ولا تخسروا الميزان... ان اياكم بالعدل والاحسان...
اعدالوا هو اقرب للتقوى وامثال كثيره اين آيات).

– تعميم برادري ايماني بين همه مؤمنين و طرد همه گونه تبعيضات. (انما المومنون اخوة فاصلحوا بين
اخويكم)

5 – زمينه هاي جهاني شدن اسلام

1 – قوي شدن و سريع شدن ارتباطات بين المللي بوسيله طياره ها و تلفن و فاكس و تليكس و كامپيوتر و
انترنت، تا جائيكه كره زمين به شكل شهري در آمده است.

2 – زمزمه هاي ابتدائي در مورد حكومت واحد جهاني، سازمان ملل متحد، كنفرانس اسلامي، اتحاديه
آفريقا، جامعه عرب، اتحاديه اروپا، كنفرانس جهان سوم (كه نيميدانم فعلاً در چه حالي قرار دارد) و
امثال آنها شواهد كوچكي بر روند ابتدائي و تدريجي كار بسوي حكومت واحد جهاني است. و بر اساس
عقاید شيعه اماميه و حتي ساير مسلمانها در زمان ظهور مهدي حكومت واحد جهاني اجتناب ناپذير است.

3 – پيشروي تدريجي بشر در مجموع من حيث المجموع بسوي عقلانيت و انتخاب احسن و ضعيف شدن تعصبيهاي
كور.

4 – احتمال نفوذ بیشتر اسلام در بین مردم مغرب زمین. جمعی از دانشمندان فرانسوی در کتابی نوشته بودند تا چند نسل بعد مسلمانها اکثریت را در فرانسه تشکیل خواهند داد.

5 – احتمال خسته شدن غربیها از روشهای افراطی جنسی و سلوکی فعلی و طغیان مادیات و علاقه پیدا کردن بیشتر به سوی دین واقعی خدا. (فطرة الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله).

6 – توسعه شریعت اسلامی و روشن بودن پایه ها و اصول دین و نزدیکی احکام دینی با عقل و مطلق و فطرت انسانها.

7 – رسیدن مذاهب اسلامی به يك اصول مشترك جهت پیش برد دعوت جهانی شدن اسلام بوسیله اینترنت و رادیو و تلویزیون.

8 – تشویق و بسیج مبلغین و سخنرانان و مؤلفین در کشورهای اسلامی و در سرزمینهای دیگر به تبلیغات فرهنگی، و تأسیس دانشکده (فاکولته)هایی در چند کشور اسلامی زیر نظر استادان با تجربه برای تعلیم و تبیین مقدمات این هدف.

9 – فعال شدن کنفرانس اسلامی تا حدی درین راستا.

باوراندن اهداف روشن اسلامي به بيگانگان مانند:

1 – برادري و برابري اسلامي.

2 – عدالت اجتماعي.

3 – پايبندي شديد به حقوق انساني.

4 – اهميت صلح و امنيت.

5 – آزادي هاي معقول.

6 – مردم سالاري در نظام حكومت.

7 - حقوق مشروعه زنان بطور مشخص براساس فقه اسلامي.

8 - تمايلات عاليه انساني در اخلاق اسلامي.

9 - بطلان تبعيضات گوناگون.

10 - طرح مشخص اقتصاد ملي.

11 - نظر مؤكد اسلامي در تحصيل علوم مختلف.

12 - برتري افراد انسان فقط به علم و تقوي.

13 - ابطال استعمار و استثمار در اجتماع اسلامي.

14 - ابطال ناسيوناليزم و برابر دانستن همه انسانها در كرامت.

6 - اظهار الرسول الدین علی الادیان

(قال اﷻ تعالیٰ: هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون). (التوبه / 23) و (الفتح / 28) (الصف / 9)

خداوند رسولش را به هدایت و دین حق فرستاده است، تا آنرا بر همه دینها ظاهر گرداند هر چند که مشرکان کراهت داشته باشند.

آیا این آیه شریفه که در 3 سوره قرآن تکرار شده دلالت بر جهانی شدن اسلام دارد یا نه؟ بعضی از مفسرین کلمه اظهار را به تعلیه و تغلیب (بالا بردن و غالب گردانیدن) ترجمه کرده است. شاید مرادش تغلیب برهانی و استدلالی باشد، یعنی اسلام را از نظر دلیل و برهان بر همه ادیان غالب گرداند، و گرنه رسول اﷻ (صلي اﷻ عليه وآله) ادیان را از بین نبرد و تا امروز ادیان جهان غالباً باقیست، مگر اینکه آیه متوجه زمان مهدی صاحب الزمان باشد که روی شرایط خاصی او به جهانی شدن اسلام می پردازد.

1 - تعصبات شدید دینی پیروان ادیان که در عمق افکار آنان نفوذ دارد، کمونیزم لنینی و استالینی با دیکتاتوری و قتل‌های عام و تبلیغات ضد دینی نتوانست ادیان را حتی در روسیه از بین ببرد تا بالاخره خود از پای در آمد.

اگر مراد از جهانی شدن این باشد که ادیان در غالب جوامع انسانی جای خود را به اسلام بدهد این احتمال از نظر اینجانب قابل تحقق نیست و تلاشی در این راه تنها تعصبات دینی را در من خواهد زد و وسائل در دست داشته فعلی ما، حمله مسلحانه، تبلیغات سرسام آور فرهنگی، تهدید و اطماع و امثال آنها حتی با فرض تحقق این وسایل در حکومت جهانی واحد کارآیی کافی را ندارد، و مسلماً مهدی موعود - عجل الله تعالی فرجه الشریف - با وسائل دیگری این آرزو را تحقق خواهد بخشید.

اساساً قانع ساختن مردم دنیا و ملتهای جهان به حقانیت دین اسلام حتی به مقایسه بت پرستی و الحاد (در مثل هند و چین و روسیه) تا چه رسد به مقایسه ادیان منسوخه نه تنها برای ما میسر نیست که برای شخص پیامبر اکرم (صلي الله عليه وآله) که متصل به وحی الهی بود میسر نشد که از قطعیات تاریخ است، و قرآن مجید هم این موضوع را به پیامبر صریحاً اعلام کرد که: (إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ) همانا تو نمی توانی کسی را که دوست داری هدایت کنی، لکن خداوند کسی را که بخواهد راهنمایی می کند، و می شود که در این راستا آیات زیادی را ذکر کرد ما تنها به ذکر يك آیه اکتفا می کنیم:

(ولو اننا نزلنا اليهم الملائكة وكلمهم الموتى وحشرنا عليهم كل شيء قبلا ما كانوا ليؤمنوا الا ان يشاء الله ولكن اكثرهم يجهلون). (انعام / 111)

اگر ما بسوی کفار فرشتگان فرو می فرستادیم و مردگان با آنان صحبت می کردند و همه اشیاء را بر آنان روبرو (یا قبیله قبیله) جمع می کردیم اینان از ایمان آورندگان نبودند مگر اینکه خدا بخواهد ولی اکثر آنان نمی دانند.

به این آیه توجه دقیق نمایید که عوامل معمولی به جهانی بودن يك دين در کره زمین نمی انجامد، آیه اگرچه بنحو قضیه مهمله در حق کفار وارد شده و عمومیت ندارد که همه آنان محکوم به این لجبازی و کفرپرستی نهایی گردند، ولی بهرحال آیه از حقیقت تلخی حکایت می کند، بلی اگر خداوند بخواهد و وسایل این کار را اگرچه بحد الجاء و اجبار نرسد، فراهم بسازد، موضوع میسر می گردد.

2 – رقابت شدید استثماری و سیاسی بین دولتهای شرق و غرب و حتی هجوم فرهنگی کلیسا برای انحراف مسلمانان مانع دیگری از جهانی شدن اسلام است. دولتهای قدرتمند از اسلام خوششان نمی آید و به هیچ وجه اجازه جهانی شدن به اسلام را نمی دهند و حتی راضی به نفوذ فعلی او نیستند و رادیوهای استعماری آنان شبانه روز علیه اسلام و اتهام آن تبلیغات سوء می کنند.

3 – کشورهای ثروتمند جهان روی اشتباه، فقر و جهالت مسلمانان را از اسلام میدانند و لذا گرویدن به آن را مایه پسمانی خود خواهد دانست و رفع این اشتباه کار زیادی می خواهد.

4 – سید جمال اسدآبادی می گفت اگر بخواهیم از اسلام تبلیغ کنیم اول باید به مردم جهان بگویم که اعمال ما اسلامی نیست!! تخلفات اخلاقی و شرعی جمع زیادی از مسلمانان در شرق و غرب مشکل دیگری برای قبولاندن اسلام به دیگران است.

5 - اختلافات مذهبی مسلمانان باید مهار شود و صدای شیعه و سنی در معرفی اسلام یکی گردد، وگرنه دیگران به ما خواهند گفت که اول اختلافات خود را حل کنید، بعد از ما دعوت بعمل آرید.

ولی ما فعلاً دچار بعضی از مسالک متطرف و افراطی هستیم اگر عملکرد آنان را تقبیح نکنیم باید اکثریت مسلمانان را از اسلام بیرون بدانیم و اگر تقبیح کنیم اشکال فوق لازم می آید، البته دشمنان مسالکی را در جهان اسلام به نفع خود و بمنظور جلوگیری از اتحاد مسلمانان تقویت کرده و می کنند بهرحال دارالتقرب هدف مقدسی را دنبال می کند و ان شاء الله در هدف خود که اتحاد و تقویت جبهه داخلی مسلمانان است تا حدود مناسبی کامیاب خواهد شد.

خلاصه اینکه برای جهانی شدن اسلام، تقویت جبهه فرهنگی و همبستگی فکری در پناه اخلاق حسنه لازم است.

6 - از همه مهم تر مشکل مخالفت اکثر دولتهای حاکم بر کشورهای اسلامی است و نه تنها مانع جهانی شدن اسلام می گردند که از نفوذ فعلی آن نیز می کاهد، و بسیار بعید است که با موضعگیری دولتهای فعلی، اسلام در جهان امروز پیشرفت چشمگیری پیدا کند.

اقسام جهانی شدن

شکی نیست که باستناد آیات و روایات، دین اسلام یگانه دین حق خداوند تا روز قیامت برای همه انسانها است و مستفاد از بعضی آیات سوره جن اینکه جن هم مثل انس مکلف بدین اسلام می باشند و پیامبر اسلام پیامبر عالمیان است (للعالمین نذیرا) و بعید نیست که دین اسلامی وقتی جهانی هم بشود، و آن وقت، موقع ظهور و خروج حضرت مهدی صاحب الزمان (عج) می باشد. (یملأ الارض قسطاً وعدلاً بعدما ملئت ظلماً وجوراً).

ولي سوال مهم و اصلي اينست كه آيا دين اسلام در عصر ما و در اعصار آينده قبل از ظهور و خروج مهدي كه با شرائط جديدي كه تفصيل آنها را نمي دانيم به جهاني شدن اسلام مي پردازد، براي جهاني شدن حسب ملاحظه شرايط عصر ما چه مقدار شانس دارد؟

براي پاسخ به اين سؤال بايد مفهوم جهاني شدن را كمی باز كنيم:

احتمال اول: كه همه يا غالب دينها از بين برود و پيروان آنان به دين اسلام مشرف شوند و نيز بي دينان هم متدين بدين اسلام گردند.

احتمال دوم: اكثر مردم دنيا به دين اسلام معتقد و عامل گردند، و بقيه به ساير اديان عمل نمايند.

احتمال سوم: كه حكومت جهاني واحد در آينده ها بوجود آيد و دين رسمي آن دين اسلام باشد، هر چند كه ساير اديان هم داراي پيروان خود باشد.

احتمال چهارم: كه اسلام در همه كشورهاي شرقي و غربي در همه قاره هاي كره زمين نفوذ يابد، چه اين كشورها مانند چين بي دين باشند و يا داراي مسالك باطل و يا اديان منسوخ، حتي اگر نصف مردم دنيا مسلمان و نصف ديگر آن غيرمسلمان باشند، باز هم مي شود كه جهاني شدن اسلام را، كامل تلقي كنيم.

احتمال اول منتفی است و ما قبلاً به آن اشاره ای نمودیم. بلی ملاحظه روحیات بی دینان و اهل ادیان دلیل بطلان این احتمال است.

احتمال چهارم اگر شرایط آنرا ما فراهم کنیم امکان تحقق آن وجود دارد، و شرایط آن اموری است که به جهات اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و اخلاقی و روانی برمی گردد.

آیا ما می توانیم امکانات مادی این کار را تهیه کنیم؟

آیا برنامه فرهنگی و ارشادی این عمل براساس روانشناسی ملتها چگونه طراحی گردد؟

آیا برای اجرای این طرح افرادی که دارای اراده های قوی و نیت خالصه و هوشهای تیز و سلیقه های خوب باشند پیدا خواهند شد؟

آیا عکس العمل سیاسی و دینی دیگران چگونه خواهد بود و ما از چه راههایی می توانیم این عکس العمل را تخفیف دهیم؟

چند دولت در کشورهای اسلامی و لو بدون تظاهر به آن و حتی در خفا عهده دار تطبیق قسمتی از این برنامه می گردد؟

مهم تر اینکه تا ما موفق نشویم اکثریت قوانین رسمی چند کشور اسلامی را اسلامی نکنیم آیا در برنامه خود موفق خواهیم شد؟

گاهی می شود مرکز فاسد باشد و برنامه توسط افراد مخلص پیش برود، مثلاً دربار اموی و عباسی از نظر دینی کم رنگ و از نظر اخلاقی فاسد شده بود ولی اسلام توسط مسلمانان مخلص و حقانیتی که خود او داشت توسعه یافت و به بسیاری از کشورها رفت و در دلها جایگزین شد. حتی از آسیا به آفریقا و از آنجا به اروپا رفت.

اگر دربار اموی مانع کار طارق و سایر فرماندهان رشید و مسلمان با اعتقاد نمی شد آیا اروپایان امروز در پناه اسلام زندگانی نمی داشتند و پرچم آن در اروپا به اهتزاز در نمی آمد و تاریخ عمومی جهان چیز دیگری نبود؟

درست است که ما غیب را نمیدانیم ولی حدس زدن باستناد شواهد و قرائن، خلاف روش عقلانیست.

سخن اخیر اینست که جهانی شدن اسلام نه چندان کار ساده و آسانی است که فوراً هیجان زده شویم که حتی در برنامه کار خود از دقت و دوربینی غافل شویم و نه ناممکن است که ناامید شویم و همانند افلیح زدگان تنها نگاه کنیم و افسوس بخوریم و دست به هیچ عملی نزنیم.

عاقبت منزل ما وادی خاموشان است حالیا غلغله در گنبد افلاک انداز

فعلاً که تا حدودی شرایط ذهنی و روانی و اقتصادی از طرف مؤسسين فراهم گردیده چه بهتر که دست به کار شویم و با برنامه های کوتاه مدت و درازمدت و رعایت شرایط سیاسی و اجتماعی و روانی با توکل بر خداوند حرکت کنیم. (وقل اعملوا فسیری اعملمکم ورسوله والمؤمنون).

موضوع دیگر که در این جا قابل بحث و تشخیص می باشد، اینست که مراد ما از جهانی شدن اسلام آیا تنها مسلمان ساختن غیر مسلمانان است، یا تطبیق احکام و یا نظام اسلامی، که دومی از اولی مشکل تر است و باید بجای جهانی شدن اسلام در سرزمین دیگران، عطف توجه به سرزمینهای اسلامی جهت حاکمیت اسلام بنمائیم و یا هر دو را می خواهیم که هدف پیچیده تر و مقدمات بیشتری می خواهد. میشود که معنای دوم را در طول معنای اول قصد کنیم و اول به مسلمان نمودن غیرمسلمانان پرداخته شود و آنگاه فکری برای حاکمیت اسلام و تطبیق احکام آن بشود، و می شود که باختلاف اماکن یکی از این دو معنی را مورد توجه قرار داد.

البته در اساس باید اسلوب دعوت در اروپا و امریکا با آفریقا فرق داشته باشد، چنانچه روش دعوت در آسیا غیر از روش دعوت در آفریقا خواهد بود.

و چنانچه نحوه تبلیغ و بیان و سبک استدلال ما در میان بت پرستان، و اماکنی که تحت سیطره کمونیست ها بوده است و با اهل کتاب و نصرانیها و بودائیها تفاوت داشته باشد، با اینکه دعوت عقلی و به حکمت و برهان همه جا لازم است ولی مجادله به احسن با اختلاف مخاطبین ما فرق خواهد کرد.

من باز پیشنهاد تأسیس دانشکده یا دانشگاه دعوت به حق و جهانی شدن اسلام را تکرار می کنم تا همه جزئیات برنامه در آنجا به شکل علمی روانی و اخلاقی مورد بررسی دقیق قرار گیرد.

جهاني شدن نظام اسلامي آثار زير را به بار مي آورد:

1 - برادري و خواهری انساني؛

2 - بوجود آمدن حكومت جهاني واحد بدون نزاع و خونريزي؛

3 - انطباق عدالت اجتماعي در زندگاني اجتماعي؛

4 - از بين رفتن استعمار و استثمار؛

5 - از بين رفتن قوم گرایی و زبان گرایی و کشورگرایی و ملت گرایی. (ناسیونالیسم)؛

6 - برابر شدن همه انسانيها با اختلاف زبان و رنگ و نژاد و منطقه و قوم در برابر قانون؛

7 - جلوگیری از تولید اسلحه و به هدر رفتن ثروت انساني؛

8 - از بین رفتن فقر بوسیله حرمت شرعی اسراف و تبذیر و انگیزه های اخلاقی و دینی مسئولین در کمک به دیگران؛

حالا خود شما قیاس کنید که جهانی شدن نظام قدرتمند امروز خوب است یا اینکه اسلام جهانی شود.

([1]). عضو شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

([2]). ج 1 / 58.

([3]). الازهار المتناثرة في الاحاديث المتواترة وازالة الخفا وقررة العينين از کتابهای سیوطی. و حاکم نیشابوری میگوید: دخل الحديث في حد التواتر.

([4]). ادله شریعت: قرآن ، سنت ، اجماع و عقل است که بعضی از مذاهب اهل سنت بعبوس آن قیاس را عنوان می کنند عقل حکمی مفید قطع باشد. قیاس حکم ظنی و غیرقطعی است.

([5]). بحارالانوار.

([6]). وسائل الشیعه ج 17 / 76.

([7]). وافي باب معاملات و وسائل ج 17 / 58.